

مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین مهدوی مهر

اگر دانشگاه‌های ما، نخبه‌های ما، خطبه‌ها و منبریه‌های ما، منشورات ما، وقف وحدت امت اسلامی بشود،

آن وقت است که میوه شیرین وحدت کام همه را شیرین می‌کند:

مصاحبه کننده: سیدمحمد مهدی میرجلیلی

اشاره

فرستی دست داد تا خدمت استاد ارجمند جناب حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسن مهدوی مهر، قائم مقام رئیس جامعه المصطفی (ص) العالمیه، در رابطه با وحدت اسلامی، گفتگویی با ایشان داشته باشیم، که تقدیم خوانندگان محترم فصلنامه حبل‌المتین می‌گردد:

حبل‌المتین: ایده‌های بلندی در رابطه با وحدت جهان اسلام در منابع دینی وجود دارد، ولی با واقعیت‌های اجتماعی خیلی فاصله است، جنابعالی چه راهی برای نزدیکی شاید‌ها با واقعیت‌های جهان اسلام پیشنهاد می‌کنید؟

مهدوی مهر: بسم الله الرحمن الرحيم؛ خیر مقدم و سلام عرض می‌کنم، خدمت شما و خوانندگان محترم مجله حبل‌المتین؛ در رابطه با سؤال حضرت‌عالی، ما از ابتدای بعثت پیامبر اسلام (ص) موضوع امت واحده و وحدت امت را داشتیم، در خود قرآن هم مطرح شده، ولی چیزی که باید به آن توجه کرد، این است که اصولاً وحدت در یک تقابل جدی با هواهای نفسانی و خواسته‌های نفسانی قرار دارد؛ به این معنا که وحدت معنی‌اش این است که انسان از یک‌سری خواسته‌های خودش، سلیقه‌های خودش، به نفع طرف مقابل دست بردارد. پس باید بر آن منیتها سیطره پیدا کرده و فائق شویم، تا این که وحدت شکل بگیرد. بدون سیطره بر این جهات، یعنی بر منیت، جهات نفسانی و به اصطلاح خود بینی‌ها، خود بزرگ بینی‌ها و ... نباید انتظار داشته باشیم، که وحدت شکل

بگیرد. اگر بنا باشد هر طایفه‌ای، هر مذهبی، هر فکری، هر اندیشه‌ای جنود بر آنچه که خودش می‌گوید و خودش می‌فهمد، داشته باشد و اجازه ندهد که آن طرف مقابل اظهار وجود کند، مطمئناً این وحدت شکل نمی‌گیرد. ولی توجه داشته باشید این بدین معنا نیست که ما از اعتقادات و آن برداشتی که از دین داریم، بگوئیم که شما دست بردار، یا من دست بر می‌دارم؛ این‌ها دست برداشتنی نیست، اعتقادات و باورها قابل تنازل نیست، چرا؟! چون باور است، من الآن باور دارم، که الآن روز است، بگویم که من به خاطر شما از این باور دست برمی‌دارم! مگر می‌شود، دست برداشت، اصلاً امر اختیاری نیست که بشود دست برداشت، این است که در آیه شریفه قرآن، می‌فرماید: «**لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ**» این یک امر تشریحی در ما نیست، امر تکوینی است، یعنی اصلاً اکراه در دین معنا ندارد، مگر ما می‌توانیم شخصی را به زور متدین به دین بکنیم؟! نه، نمی‌شود. به زور به چیزی معتقدش بکنیم؟ نه. می‌توانیم آن قدر برای طرف توضیح بدهیم، آن قدر مطلب را تبلیغ کنیم تا این‌که طرف بپذیرد و باورش شود. ولی اگر که مقدماتش را نتوانیم تبلیغ بکنیم، مطمئناً ذی‌المقدمه حاصل نخواهد شد، که ما بتوانیم عقیده او را عوض کنیم، بدون این‌که مقدمات در او اثر گذاشته باشد، این یک امر اجباری نیست، اصلاً اجبار بردار نیست، در نتیجه منظور من این نیست که ادیان، مذاهب، فرق و این‌ها بیایند به نفع یک‌دیگر از ادیان و مذهب خودشان دست بردارند. بلکه در حوزه عمل و تعامل امکان نزدیکی هست. نکته‌ای که اینجا وجود دارد، این است که اصولاً بحث وحدت که در این سؤال مطرح فرمودید و هم در سؤال‌های دیگری که ممکن است، به این مسئله مربوط شود، طرح می‌کنید، ایمان به وحدت است، اگر من ایمان به وحدت نداشته باشم، اگر عقیده به وحدت نداشته باشم، هیچ‌وقت این اتفاق نمی‌افتد، ما بعضی از وقتها می‌خواهیم یک امری را که قبول نداریم، تحمیل کنیم، خوب این جواب نمی‌دهد، ما باید باورمان بشود که وحدت امت اسلامی یک ضرورت است، یک

استراتژی است، نه یک تاکتیک، یک استراتژی اساسی و راهبرد کلان اسلام است، این را ما باید با تمام وجود احساس کرده باشیم و اعتقاد داشته باشیم، اگر این اتفاق افتاده باشد و اعتقاد داشته باشیم، وحدت اتفاق می‌افتد و اگر اعتقاد نداشته باشیم، اتفاق نمی‌افتد. تا حالا آن جایی که موفق بودیم به خاطر وجود همین اعتقاد بود و اگر موفق نبودیم به خاطر عدم وجود این اعتقاد بود. این بحث اساسی و مهمی است، که در مباحث بعدی به آن می‌رسیم.

حبل المتین: شما با فرمایش‌های گرانبهایتان می‌فرمائید، امکان وحدت است، منتها سؤال من این است که چه راهکاری را پیشنهاد می‌کنید، تا به این وحدت برسیم؟

مهدوی مهر: ببینید ما باید بیاییم افراد مختلف را به وحدت تربیت کنیم، یعنی ما اگر بتوانیم، در یک مدرسه‌ای در یک دانشکده‌ای در یک مرکز علمی، افرادی که زمینه این امر را دارند، توسط طلایه‌داران موضوع وحدت تربیت کنیم، هدف حاصل می‌شود. ببینید شاگرد از استاد تأثیرپذیری دارد، استادی که خودش واقعاً با تمام وجود به وحدت معتقد است، او می‌تواند شاگردی تربیت کند که او هم معتقد باشد. ما افرادی داشتیم، مثل مرحوم آیت‌الله بروجردی، مثل مرحوم علامه قمی، مثل مرحوم شیخ شلتوت، یک چنین شخصیت‌هایی که این‌ها طلایه‌داران وحدت بودند، این‌ها شاگردانی دارند، که این شاگردانشان از روح بلند آنها الهام گرفته‌اند و این را با عنوان یک امر که در تمام وجودشون نفوذ کرده، پذیرفته‌اند. ای کاش این شاگردان، شاگردانی داشتند، این سلسله مبارک استمرار پیدا می‌کرد و ما امروز بتوانیم بگوییم، در حوزه ما، در جامعه ما، در کشور ما، در میان قاطبه شیعه، این افراد، این اندیشمندان، معتقدین به وحدت و امت واحده اسلامی هستند.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که بحث وحدت یک چیز است و بحث اطلاع از مبانی، چیز دیگری است. ما بعضی مواقع این‌ها را با هم خلط می‌کنیم، مثلاً من مسلط هستم بر مبانی اهل سنت، مسلط هستم بر مبانی مذاهب مختلف، مسلط هستم بر مبانی شیعه، خوب، اسم من می‌شود طرفدار وحدت، خیلی وقتها من که مسلط هستم بر مبانی دیگران، بزرگترین سد راه وحدت هستم، چرا؟ چون دائماً همین نقاط اختلاف را بزرگش می‌کنم، مدام مطرح می‌کنم، اجازه نمی‌دهم این وحدت راه بیفتد. چرا؟ وحدت نیازمند به اطلاع مبانی است، ولی هر اطلاع مبانی، اسمش اعتقاد به وحدت و قابل تقلید بودن نیست. ما یک اختلافی را، فرقی را می‌گذاریم بین علم خلاف و بین علم مقارن، عالم مقارن را نیز با عالم خلافی فرق می‌گذاریم، عالم خلافی مسلط به مبانی درمانی است، عالم مقارن هم مسلط به مبانی طرف مقابل است، عالم خلافی را مثال می‌زنند، می‌گویند مثل وکیل مدافع در دادگاه می‌ماند، یک وکیل مدافع در دادگاه برای چه در دادگاه حضور پیدا می‌کند، برای این‌که طرف مقابل را محکوم کند، موکل خودش را حاکم کند، از ابتدایی که وارد می‌شود پول خوبی گرفته برای همین آمده دادگاه به او می‌گویند وکیل مدافع، مدافع از چه کسی از حق و حقیقت نه، مدافع از موکل خودش چه حق باشد چه ناحق. شاید حق با دیگری است یا ممکن مصادف با حق هم باشد، ممکن است، نه باطل باشد. ولی او دنبال آن نیست که حق با چه کسی است، دنبال این است که موکل خودش را حاکم کند. در مقابل، مثال عالم مقارن بر علم مقارن، مثالش مثل قاضی در دادگاه است، که قاضی به دنبال این نیست که یک طرف خاص حاکم بشود، قاضی به دنبال این است که آن طرفی که حق طرف او هست، طرف او حاکم بشود، به تعبیری حق حاکم شود. اگر که ما چیزی که واقف و عالم و مسلط بر مبانی فرق مختلف هست را بسان قاضی ببینیم، این می‌تواند وحدت‌آفرین هم باشد، چرا چون تعصبی نسبت به این وضع و آن وضع از خودش نشان نمی‌دهد. ولی

اگر بسان وکیل مدافع ببینید، درست است این در واقع مدافع طرف مقابل است، ولی دیگر نمی‌تواند وحدت‌آفرین باشد، بلکه این اختلاف را خوب می‌تواند، شعله‌ور کند. خیلی وقت‌ها در شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای افرادی می‌آیند، حرف می‌زنند، آدم فکر می‌کند این‌ها وحدت‌آفرین هستند، این‌ها عین تفرقه هستند، عین جدایی طلبی- اند، تفرقه‌افکنی می‌کنند، البته بعضی از آنها آگاه به مبانی طرف مقابل هم هستند. مبانی را یاد گرفته‌اند، برای این که طرف مقابل را به زمین بزنند، یاد نگرفتند این‌ها را به هم متصل کنند.

پس ما باید افراد تقریبی تربیت کنیم. الآن هم من نظرم این است، که ما یک مدرسه‌ای تحت عنوان تقریب داشته باشیم، دانشگاه تقریب که داریم، چیز خوبی است، در دانشگاه تقریب افراد می‌آیند در مذاهب مختلف می‌آیند، یک کسی می‌آید مذهب خودش را می‌خواند، یکی هم فقه مقارن می‌خواند، ولی مدرسه تقریب به این معنا که بیاید درس وحدت امت اسلامی بگذارد، خیلی وقت‌ها درس مذهبی نیست، باید درس سیاسی بخواند، که بگوید در جهان ما اگر تقریب داشته باشیم، چه اتفاقی می‌افتد، اگر وحدت داشته باشیم، چه اتفاقی می‌افتد، در مقابل اگر تفریق و تفرق داشته باشیم چه اتفاقی می‌افتد. بحث این نیست ما به مبانی طرف مقابل آشنا بشویم چنانچه در حوزه و دانشگاه می‌خوانند، بلکه بحث این است که ما باید مدرسه تقریب داشته باشیم، انسان تقریبی انسان معتقد به وحدت بار بیاوریم، این اتفاق اگر بیفتد آن امکان اتقانی که فرمودید، به نظر من جایگاهش معلوم می‌شود، یعنی به یک معنا امکان دارد، نه فقط امکان ذاتی، امکان وقوعی هم دارد، به شرط این که شرطش حاصل بشود، و الا نه تنها امکان وقوعی ندارد، بلکه حتی امتناع هم دارد، چون وقتی که ابزارش نیست و افراد آشنایی ندارند، مثل این می‌ماند که شما اینجا یک انبار باروتی در نظر بگیرید و همه شعله آتش به دست، به سمت این انبار باروت می‌آیند، امکان دارد، انبار آتش نگیرد به شرط اینکه شعله‌ها را همه بگذارند کنار، و الا با

این شعله‌های در دست این انبار منفجر می‌شود، ما هستیم و یک انبار باروتی که در تاریخ اسلام توسط دشمنان اسلام دائماً در صدد انفجار این انبار باروت بوده و هستند، اگر ما نداشته باشیم کسانی که منادی تقرب و وحدت باشند، این شعله‌های آتش را از دست افراد بگیرند، بالاخره این انبار باروت منفجر می‌شود و دامن همه را می‌گیرد.

منتها ما تکیه‌مان در داخل کشور هست، در این چند سال جمهوری اسلامی، امام و مقام معظم رهبری فرمایشاتی داشتند و هر دو هم یک الگوی مثبتی را به جهان عرضه کرده‌اند که پیش از این هم هم‌چنان که شما فرمودید در جهان تشیع مطرح بود و شیخ شلتوت نیز در جهان اهل تسنن به دنبال آن بود و الآن هم که طلایه‌دار این وحدت، مقام معظم رهبری هستند، توفیقاتی داشته‌ایم، ولی فکر می‌کنم هر حرکتی یک موانعی هم دارد، این موانع در جهان اسلام باید رصد شده و مرتفع شوند.

حضرت امام (ره) وقتی انقلاب را رهبری کردند، اسم انقلاب، انقلاب اسلامی بود. انقلاب اسلامی می‌توانست به عنوان یک انقلاب شیعی مطرح شود، ولی حضرت امام نظرشان این نبود. با این که اکثریت و قاطبه مردم ایران شیعیان بودند و اگر ما خواسته باشیم حق و حقوق اکثریت و دموکراسی را در نظر بگیریم بالاخره باید شیعیان مطرح بشوند، در مجلس، در جاهای مختلف، در قانون اساسی، بحث مطرح بودن شیعه در جای خودش محفوظ است. در مجلس اکثریت نماینده‌ها شیعیان هستند، نماینده‌های سنی اقلیتند و همین‌طور ادیان دیگر اقلیت هستند، چون تعدادشان کم است، ولی این‌ها باعث نشده انقلاب ما از انقلاب اسلامی بودن به انقلاب شیعه تبدیل شود. امام تأکیدشان بر اسلام بود، اسلام بدون هیچ پیرایه‌ای که به آن ببندیم. چند سال پیش در حرم

حضرت امام، مقام معظم رهبری در سالگرد امام، سخنرانی داشتند فرمودند انقلاب اسلامی ایران برای خودش شناسنامه شیعی صادر نکرده است، شناسنامه جمهوری اسلامی، اسلام است، نه شیعه.

ببینید این را ما اعتقاد داریم آن مبنای امام را با این مبنای آقا، ولی در مقام عمل واقعاً قبول نداریم، چون قبول نداریم، به مقتضایش هم عمل نمی‌کنیم، یعنی دنبال کار خودمان هستیم، ممکن است این تابلو را دستمان بگیریم، ولی واقعیت پشت تابلو چیز دیگری است، چون اعتقاد نداریم، دائماً به هر شکلی که شده است یا به طلب اختلاف می‌گوییم یا حداقل برای وحدت قدمی بر نمی‌داریم، شما شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای را کنترل کنید، ببینید یک روایتی، یک خطبه‌ای، یک دعایی، که بحث سندی‌اش بماند، ولی بالاخره این در شبکه‌های تلویزیونی پخش شود و در میان جهان سنی و شیعه پخش شود، باید چیزی نباشد که طرف مقابل را تکفیر کنیم. هر سال کنفرانس وحدت با این عظمت با این همه زحمتی که دوستان در این کنفرانس می‌کشند، جمهوری اسلامی، خود شخص مقام معظم رهبری تلاشی که می‌کنند و در این مسیر هزینه می‌کنند، برگزار می‌شود، خود آقا در روز هفده ربیع در پذیرایی از میهمانان کنفرانس وحدت، جلسه‌ای که می‌گذارند موضوع تقریب و دیپلماسی وحدت را مطرح می‌کنند، ولی شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای کار دیگری می‌کنند، تمام این انبار با یک کبریت آتش می‌گیرد. بعد دیگران می‌گویند شما دارید چیز دیگری می‌گوئید و کار دیگری انجام می‌دهید. باید تمام افراد براساس این راهبرد رهبری حرکت کنند. کتاب‌هایی که منتشر می‌شود، سخنرانی‌هایی که می‌شود و تفرقه می‌اندازد ... اینها همه آفت وحدت اسلامی است، پس اگر خواسته باشیم بگوییم چه کار باید کرد، توفیق داشته‌ایم یا نه؛ به میزانی که سرمایه‌گذاری کرده‌ایم توفیق داشته‌ایم، مثلاً اگر بخواهیم یک استخر را برای شنا پر کنیم، شما باید راه خروج آب را ببندید، ما آب میریزیم درست است، ولی از آن طرف مدام خالی-

اش می‌کنند، در نتیجه استخر خالی می‌شود. بستگی دارد به این که ما بیشتر آب بریزیم، یا آنها بیشتر خالی کنند. در داخل کشور و خارج کشور همین است، یعنی وقتی که من کسی هستم که اعتقاد به وحدت ندارم، دسترسی دارم به تریبون، قلم دارم، بنویسم، می‌توانم در تلویزیون حرف بزنم، می‌توانم فیلم بسازم، می‌توانم مراسم بگیرم و ... هرچه او جهت وحدت رشته است، من پنبه می‌کنم، به جایی نمی‌رسیم، مشکل ما این است باید جلوی این-ها را بگیریم.

حبل‌المتین: همان‌طور که اطلاع دارید یکی از مراکزی که در این زمینه کار می‌کند، دبیرخانه شورای برنامه-

ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت است، که چندین سال است که به طور قانونی، رسمی با مجوز شورای عالی انقلاب فرهنگی کار می‌کند و به هر حال کار خودش را شروع کرده است، جایگاه این دبیرخانه در بحث وحدت چیست؟ چه کاری باید انجام بدهد؟ پیشنهاد خاصی را اگر دارید، ارائه فرمایید، که ان شاء الله در این راستا تأثیر گذار باشد.

مهدوی‌مهر: من اعتقاد این است که قاطبه اهل سنت ما نسبت به نظام اسلام، نسبت به رهبر جمهوری

اسلامی، وفادار بوده و هستند، جمع زیادی نیز حاضر به خدمت و فداکاری هستند، این فرصت کمی نیست، ولی در کنار این باید توجه داشته باشید که عده‌ای هم هستند که اینها توسط دشمنان جمهوری اسلامی اغفال شده-

اند، البته اندکی، ولی این جمع کم، مثل ویروس عمل می‌کنند، یک ویروس در بدن چقدر وزن دارد، چقدر حجم

دارد، چقدر ارزش عنصری دارد، ولی می‌تواند یک بدن را از کار بیندازد، ما باید این ویروس ماندها را مواظبشان

باشیم، جلوی‌شان را بگیریم و به یک معنا مسئولیت مسئول سازی و صیانت بخشی یکی از بحث‌های مهم است. در

دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، من اعتقاد این است که کمترین نقش این باشد

حرکت به سمت مسئولیت و صیانت بخشی باشد، چرا؟ چون این دبیرخانه آمده با کاری که انجام داده، اولاً خدمت به جامعه اهل سنت کشور ما کرده است، به خاطر این که سیستم آموزش دینی اهل سنت را آورده و نظام-دهی کرده و اگر کسانی به دور از تعصبات دست‌آفریده دشمن، به قضیه نگاه نکنند اعتراف خواهند کرد، که این کار، کار ارزشمندی است، در کنار این ویژگیها، یک سری مزایایی هم دارد، یکی این است که این مراکز از نفوذ دشمنان خود، با این سیستم می‌تواند مصون‌سازی شود، چرا؟ چون آن ویروسی که عرض کردم خدمتتان، آن ویروس در یک مدرسه، یک دفعه کل یک مدرسه را بیمار می‌کند، در یک شهر کل یک شهر را بیمار می‌کند، در یک جامعه بزرگ کل یک جامعه را گرفتار می‌کند، آن ویروس را پیشگیری می‌کند.

سیستم دبیرخانه با حضور علمایی بزرگ از خود اهل سنت افرادی که مورد اعتماد و قبول اهل سنت هستند، هم از جهت اعتقادی سنی هستند و از جهت اخلاقی افراد وارسته‌ای هستند، و هم از جهت سیاسی مورد قبول مردم خودشان هستند، مورد قبول نظام هستند، این افراد، شخصیت‌های سالمی هستند، این افراد در این قضیه حضور جدی و تأثیرگذاری دارند، در کنار آنها متخصصان و علمایی از اهل تشیع هستند که اعتقاد به رشد و پیشرفت جامعه سنی دارند، در ضمن یک همکاری و هم‌دلی، برای چی؟ برای این که جامعه اهل سنت آن هم در حد نخبگان، علما، دانش‌آموختگان و دانش‌پژوهان اهل سنت، این‌ها هم رشد علمی کنند و هم مسئولیت داشته باشند، شما یک باغی را در نظر بگیرید یک درخت میوه‌ای را می‌خواهید، شما داشته باشید، در این باغ از یک طرف باید به این درخت آب بدهید، رشد بکند، موادی که برای رشد این درخت لازم است، داده شود از یک طرف باید مواظب باشید، آفت نزنند، چون اگر شما آب دادید و تمام آنچه که برای رشد یک درخت لازم است تأمین کردید، ولی مصونش از آفت نکردید، همه‌ی اینها را آن آفت از بین می‌برد و میوه‌اش دیگر قابل استفاده

نیست، بلکه مجبورید این میوه را در قرنطینه از این باغ ببرید، بیرون بریزید، که بقیه درختها آفت نگیرد، درختی که این همه زحمت کشیدید، ویروسی می‌شود، پس مصون‌سازی خیلی بحث مهمی است، این مجموعه دو کار کرده یک آن آبیاری و تقویت بنیادی و بنیانی کرده و باید بکند، مثلاً کتاب تأمین کند، شهریه تأمین کند، برنامه تأمین کند، از آن طرف هم مصون‌سازی؛ که مبادا دشمنانی و کسانی که می‌خواهند این درخت بسوزد و از بین برود، آن‌ها نتوانند وارد بشوند و ثمره را از بین ببرند. یک نکته عرض کنم در مورد آفتها، ببینید کسانی که آفت شناسند، می‌گویند این آفت، آفت درخت سیب است، چون یک سختی بین این آفت و درخت سیب است، این آفت به انگور نمی‌زند، به درخت خرما نمی‌زند، آفت درخت انگور یک چیز دیگر است، که متناسب درخت انگور است و به درخت سیب نمی‌زند، فکر نکنید که آفت همیشه از جنس مقابل است، نه بعضی وقتها آفت از درون خودش از صنف خودش و همسان و همسازگار با خودش است، ولی آفت است، ویروس است، آدم متوجه نمی‌شود؛ یکی از علمای اهل سنت می‌گفتند باید از خودتان در مقابل وهابیت دفاع کنید، چون که وهابیت آفت شیعه نیست، درسته که برای شیعه دردرس درست می‌کند، ولی وهابیت آفت اهل سنت است، این ویروس آفتی هست، که در جامعه اهل سنت براندازی می‌کند، شما را یک جوری آفت زده می‌کند، که نتوانید در دنیا از خودتان دفاع کنید، نتوانید بگوئید من سنی هستم. پس این سیستم یکی از کارهایی که می‌کند در کنار آن تقویت بنیان‌ها، رشد و تعالی که می‌بخشد که لازم هم هست، آفت‌گذاری هم می‌کند، اگر ما بتوانیم هم شیعه را از آفت مصون کنیم، هم سنی را مصون کنیم، هم جامعه شیعی، هم جامعه سنی را از آن ویروس‌ها مصونیت ببخشیم، آن وقت برمی‌گردیم به آن چیزی که شما در سؤال اول مطرح کرده بودید، ما در مبانی دینی بحث امت واحده را داریم،

چرا این اتفاق نمی‌افتد، اگر بتوانیم مصون‌سازی کنیم، آن اتفاق می‌افتد. این تکرر مذهبی، فرهنگی و قومی در کشور ما یک فرصت است، تهدید نیست.

اولاً تهدید نیست، بلکه باعث رشد می‌شود، ببینید من اگر یک شیعه‌ای به بچه‌های خودش مبانی اعتقادی شیعه را به گونه‌ای درس بدهد، که هیچ وقت از اعتقاد متزلزل نشود، یک سنی هم به بچه‌های خودش مبانی اعتقادی مذهب خودش را به گونه‌ای درس بدهد، که این هم متزلزل نشود، ولی چیزی اضافه نکنند همانی که واقعاً هست، را به دور از پیرایه‌هایی که به آن ببندد، آیا این سنی خطر این که یک وقتی از مذهب خودش دست بردارد و متزلزل بشود، هست؟!، آن شیعه خطر این که از مذهب خود دست بردارد، هست؟! قطعاً نیست. حالا ببینید ما باید بحث کنیم، که آیا بنیان مذهب با چه چیزی محکم می‌شود آنچه که محکم کننده بنیان این-هاست، هیچ کدام با امت اسلامی در تنافی نیست، مخالفت که ندارد، آن چیزی با امت اسلامی در تنافی هست، دست‌ساخته دشمنان هر دوست، به تعبیر حضرت آقا که می‌فرمودند که این دو گروه افراطی در شیعه و اهل-سنت، از یک جا پول می‌گیرند، یک جا هست، که هر دو را تأمین می‌کند، جالب است بدانید که شبکه‌های سنی متعصب به تعبیری وهابی‌های تکفیری که تحت عنوان اهل سنت فعالیت می‌کنند و شبکه‌های شیعی متعصب که تحت عنوان شیعه فعالیت می‌کنند، هر دو از انگلیس هستند، خیلی جالب است، یعنی هر دو یک آبشخور دارند، معنی‌اش این است که بحث اعتقاد و مذهب من و شما مطرح نیست، بحث این است که چرا ما به جان همدیگر می‌افتیم، آنها دنبال این هستند که ما به جان هم بیفتیم و این اتفاق در طول تاریخ افتاده است و الا این بحث که من در اعتقاد محکم باشم و طرف مقابل در اعتقادش محکم باشد، مشکلی ندارد، الآن ما در منزل دوستان سنی خودمان، آنجا آنها برای ما سجاده می‌اندازند و مهر می‌گذارند، نمی‌گویند که چرا شما که در

منزل ما هستید، مهر می‌گذارید، می‌داند، که از نظر اعتقادی من نمازم بدون مهر باطل است، و من سجده غیر
علی‌الارض را جایز نمی‌دانم و الارض را به معنای خاک می‌دانم و مشتقات خاک؛ وقتی هم که او به منزل من
می‌آید، من برای او سجاده بدون مهر می‌آورم، نمی‌گویم، که نماز شما باطل شد، چون باید بر ارض سجده کنید.
او مبنای خودش را دارد، من هم مبنای خودم را.

آفت آنجا هست که من بیایم، بگویم تو این چنین عقیده باطلی داری، که نداره، بعد به مردم خودم اینجوری
معرفی کنم، که این می‌آید، این‌ها را می‌گوید، خوب بعد مردم ما می‌گویند که عجب، اگر این‌طور است، پس
قتلش واجب است! دقت فرمودید، بینی و بین الله این کاری که یاسر حبیب کرد و آن کتابی که سراپا جسارت به
همسر پیامبر اسلام(ص) هست، خوب؛ این اگر دست هر آدم متدینی بیفتد، او را از کوره به در می‌کند. در مقابل
وقتی که یک کتابی نوشته می‌شود که حتی حضرت ابی‌عبدالله الحسین جز اصحاب پیامبر است، جز اهل بیت
است، جز یکی از شباب اهل جنت است و همه این‌ها، عقاید اهل سنت است، طبعاً طرف مقابل خودش به جوش
می‌آید، چه کسی این کار را می‌کند و هر دو را دشمن می‌کند، پس ما باید متوجه این باشیم، که مصون‌سازی
خیلی بحث مهمی است و من معتقدم که این شورا در رشد علمی و فرهنگی قاطبه اهل سنت و روحانیون اهل -
سنت نقش بسیار مثبتی ایفا کرده و می‌کند و در مصون‌سازی هم نقش بی‌بدیلی را انجام می‌دهد، که خیلی
ارزشمند است.

حبل‌المتین: سالهای سال در جمهوری اسلامی کنفرانسها، سمینارهای متعدد برگزار شده است و به نظر من
بخش بزرگی از وحدت نیروهای مذهبی در سطح جهان اسلام و در سطح خود منطقه را ایران داشته است، منتها
بالاخره این لازم بوده، ولی با توجه به شیطنتهایی که می‌کنند، به هر حال کافی نیست، شما این روند را چگونه

ارزیابی می‌کنید، چه کار کنیم، که بتوانیم آن ایده‌های بلندی که حضرت امام داشتند و مقام معظم رهبری دارند، در کنفرانسها جامه عمل بپوشانیم؟

مهدوی‌مهر: به نظر من شما جواب سؤال را دادید، این کنفرانسها اگر کسی بگوید تأثیر نداشته است، خیلی بی‌انصافی است، چرا چون باید ببینیم، اگر این کنفرانسها نبود، چه اتفاقی می‌افتاد، این کنفرانسها مثل دارویی است، که یک بیماری، با این داروها درمان می‌شود، ولی این‌طور نیست، که همیشه هر بیماری با یک دارو درمان شود و بعضی وقتها دکتر پنج نوع دارو می‌نویسد، خوب اگر این‌ها به درد می‌خورد، چرا پنج تا، یکی می‌نوشت، البته یکی لازم هست، ولی کافی نیست، دومی هم لازم است، ولی کافی نیست، سومی هم لازم است، ولی کافی نیست، همین‌طور همه اینها به تنهایی لازم هستند، ولی کافی نیستند، باید با هم باشند تا بشود به مقدار کافی. حالا این کنفرانس‌هایی که برگزار شده، ضروری است و کار ارزنده‌ای است، لازم و متقن است، ولی کافی نیست، البته خیلی خیلی تأثیرگذار بوده و توانسته جلوی خیلی از مشکلات جهان اسلام را بگیرد، توانسته خیلی از این آفت‌ها را به عقب بیندازد تا کم اثر کند، همه این کارها را کرده است ولی دو تا موضوع هست، یکی این که خود این کنفرانسها باید غنی‌تر بشود، همه معتقدند، ما باید دنبال غنی‌سازی این‌ها باشیم، یعنی ببینیم که آن دردی که ما با این کنفرانس می‌خواهیم، درمان کنیم، آن جهتی که ما با این کنفرانس می‌خواهیم، رشد دهیم، آنها چه اقتضائاتی دارند؟

یعنی مثلاً ما در جمهوری اسلامی باید بدانیم به خاطر بیداری و وحدت، در کشور چگونه کار کنیم، در این کنفرانسها، که جریانهای همسو با خودمان هست، چگونه وحدت را عملیاتی کنیم؟

من مثالی می‌زنم، اگر فرض کنید که هزار نفر از جهان اسلام دعوت می‌شود تا در این کنفرانسها شرکت کنند، ما اگر قبل از این کنفرانس، حداقل برای جمع زیادی از این جمع و مهمترین میمهانان، در سطح یک و دو آنها، یک افرادی را یک مجموعه‌های تقریبی را بفرستیم، تا با آنها جلسات و گفتگو داشته باشند، آنها را در جریان اوضاع جهان اسلام قرار بدهند، در جریان فعالیت‌های دشمنان اسلام قرار بگیرند و نسبت به موضوع خوب آگاه کنیم و اطلاعات کافی را بدهند، آن وقت دوز تأثیرگذارشان بالا می‌رود، چون انگیزه این که در کنفرانس حضور جدی پیدا کنند، حرف بزنند، تلاش کنند، ارتباط با دیگران برقرار کنند و مشکلات جهان اسلام را حل کنند، بالا می‌رود، پس شما خود این کنفرانسها را باید در درون خودش غنی کنید و بگردیم در دنیا افراد تأثیرگذار را در جاهای مختلف رصد کنیم، آنها را دعوت کنیم و بیاوریم، بعضی از وقت‌ها ممکن است، برای آوردن آنها یک اقداماتی کنیم، هزینه‌هایی کنیم بالاخره باید بیاوریم، خلاصه در درون خودش غنی کنیم، بعد هم که می‌آید اینجا وقت استفاده از این فرصت را به او بدهیم، مثلاً صبح تا شب بنشینید، یک نفر سخنرانی کند و بقیه هم گوش کنند، این را از طریق یک تلویزیون هم می‌شود، انجام داد، ولی ما اگر فرصت گفتگو و به اصطلاح گفتمان وحدت را قرار بدهیم، اینها با هم حرف بزنند و مطالبشان را رد و بدل کنند، این مدل جدیدی است، که کار می‌خواهد، البته خیلی‌ها انجام داده‌اند، اینها را که می‌گوییم، می‌خواهم عرض کنم، اینها باید تقویت بشود، تا این که اثر بخش تر شود، این بحث درونی خودش است، اما در کنار این کنفرانسها باید کارهای دیگری نیز انجام شود، یکی بحث مدرسه تقریب بود، که گفتم باید افراد تقریبی تربیت کند، برای طلایه‌داری تقریب، برای پرچمداری تقریب، که بگوییم راه تقریب در فلان کشور این فردی است که در این مدرسه درس خوانده و تحقیق کرده و در کنار اینها خیلی از جهات تأثیرگذار دیگری هم هست، یکی از آنها این که جلوی شبکه‌های

تلویزیونی و ماهواره‌ای تفرقه‌انگیز را بگیریم، اینها آفت است و مصیبت برای جهان اسلام درست می‌کند، مجلاتی که مطلب می‌نویسند، کتابها باید رعایت و کنترل شوند، مثلاً کتابی چاپ بشود، که عکس مستهجنی در آن باشد، اجازه چاپ می‌دهید؟! آیا جسارتی که به یک شخصیت به تعبیر مقام معظم رهبری به مقدسات اهل- سنت به همسر پیامبر(ص) می‌شود، این از آن عکس مستهجن اثرش کمتر است! به مراتب بیشتر است، و جلویش را با شهادت باید بگیریم، اصلاً نگرانی ندارد، ما می‌گوییم این فتنه ایجاد می‌کند، فتنه اشد من القتل است، باید جلویش را گرفت، حالا این فتنه ممکن است یک روحانی شیعه ایجاد کند، یا یک روحانی سنی، هر که باشد فرقی نمی‌کند. نکته دیگر این که افراد مریض را نگذاریم به تربیون‌ها دسترسی پیدا کنند، افراد مریض را اگر اجازه بدهید، به تربیون دسترسی پیدا کند، مثل این است که کسی ویروسی را وسط نماز جمعه، وسط مردم، پخش کند، همه مردمی که از نماز جمعه بیرون می‌آیند، مریض می‌شوند. خوب نباید بگذاریم، باید جلویش را گرفت، آدم مریض که سلامت توزیع نمی‌کند، مرض تولید می‌کند، نباید بگذاریم این اتفاق بیافتد.

حالا باید در کنار این کنفرانسهای وحدت بگوییم، این یک راهکار است، چهار تا پنج تا داروی دیگر هم لازم است، آنها را هم ضمیمه کنیم، تا این مجموعه باهم بتواند، این بیمار را درمان کند، از آن طرف برای این که انسان رشد کند، برای این که انسان سالم بماند، در روز نیاز به آب دارد، نیاز به غذا دارد، نیاز به ویتامین دارد و ... با یکی از اینها تنها این بدن رشد نمی‌کند، ما همه اینها را کنار هم دیگر باید بدهیم، یکی از آنها کنفرانس وحدت است می‌خواهیم این پیکره امت اسلامی و وحدت اسلامی رشد کند، این یکی از عوامل است ولی پنج مورد دیگر هم لازم است، یعنی همیشه بحث آسیب هست، باید به عوامل هم برسیم، دوم این که ما باید جامعه شیعی خودمان و جامعه سنی خودمان را نسبت به واقعیتهای جهان اسلام آگاه کنیم، تا اینها فریب دیگران را

نخورند، من گفتم جلویشان را بگیریم، تا چه حد می‌توانیم، جلوی آن را بگیریم، یک‌سری از اینها در اختیار ما نیست، که جلوی آن را بگیریم، یک سایتی راه می‌افتد، من چه کار می‌توانم بکنم، شروع می‌کند، سراسر توهین و جسارت به مقدسات این طرف یا مقدسات آن طرف و تحریک می‌کند، از دست ما خارج است و آن سایت در دسترس همه هست، پس ما نمی‌توانیم جلوی همه آنها را بگیریم، ولی می‌توانیم مردم را از واقعیت‌ها به‌گونه‌ای آگاه کنیم، که این کارها نتواند تأثیر زیادی بگذارد. محتوای حقیقی را درست بیان کنیم، شبکه مریضی راه افتاد ما باید چهار تا شبکه سالم در کنارش داشته باشیم، شبکه سالم نه شبکه‌ای که بیاید سنی شیعه کند، یا بخواهد شیعه را در میان اهل سنت ترویج بدهد، نه، شبکه‌ای که مدافع وحدت امت اسلامی باشد، چون بعضی وقت‌ها می‌گویند آن شبکه سنی که راه افتاده سنی نیوز، شما در مقابلش یک شیعه نیوز، راه اندازی کنید. خوب این با آن یکی می‌شود، ما می‌گوییم شما یک شبکه وحدت نیوز راه‌اندازی کنید، که این رشته‌ی هر دو را پنبه کند، یک ریسمان وحدت ببافد، نه نخ‌های تفرقه و جدایی. پس ما باید حتماً در کنار اینها، فعالیت‌های صحیح و درست را دنبال کنیم. تأکید می‌کنم بعضی از دوستان خیال می‌کنند، که اگر یک شبکه نابابی و نادرستی راه افتاده، باید در مقابل آن یک شبکه‌ای راه بیندازیم، که آن را خنثی کند، اگر مثلاً فرض کنید او آمده شیعه را تکذیب می‌کند، ما شبکه‌ای درست کنیم که از شیعه دفاع کند و طرف مقابل را محکوم کند، ما اصلاً بحثمان این نیست، خیلی از شبکه‌هایی که من می‌دانم، این کار را انجام می‌دهند، ولی نمی‌دانند که دارند به این آتش می‌دمند، باید شبکه وحدت راه بیندازیم، شبکه وحدت امت اسلامی و شبکه تقریب، در شبکه تقریب هست، که می‌توانیم هم شبکه این طرف و هم شبکه آن طرف را فتیله‌شان را پایین بکشیم، پس این یک بحث مهمی است، ما الآن در

کشورمان شبکه تقریب نداریم در جهان اسلام هم نداریم، نمی‌توانم بگویم هیچ شبکه تقریبی نیست، چرا، ولی شبکه‌ای که تمام هم و غمش تقریب امت اسلام باشد، نداریم.

بحث دیگر که قبلاً به آن اشاره کردیم و در زمینه تقریبی شما به جد دنبالش هستید، همین دبیرخانه شورا است، که تفصیلاً در جریان کارهای آن هستید، خودتان یکی از فعالان و زحمت‌کشان دبیرخانه هستید. یکی از ابعاد و کارهای مهم این دبیرخانه، منشورات آن است، که باید سمت و سوی وحدت و تقریب داشته باشد.

حبل‌المتین: درست است، اگر پیشنهاد خاصی در رابطه با منشورات دبیرخانه علی‌الخصوص فصلنامه حبل‌المتین در زمینه کیفیت و محتوایش دارید، بیان فرمائید، استفاده کنیم.

مهدوی‌مهر: ببینید این فصلنامه تا آنجایی که من می‌توانم تحلیل کنم، اولاً شما از اسمش شروع کنید، اسمش پر محتواست، حبل‌المتین است، ما لابه‌لای صحبت‌هایمان از آن ریسمان وحدت صحبت کردیم، از کجا گرفته شده، از یک آیه بلند قرآنی گرفته شده: «**واعتصموا بحبل الله جميعاً...**»، این متین است، چرا چون قابل اعتماد است ... و اعتصموا بحبل الله، «حبل» را آقای جوادی تعبیری که دارند، این است که هر ریسمان آویخته از بالا به پائین، برای این است که انسان را به بالا ببرد، نه یک ریسمانی که شما فقط به او متوسل بشوید، بلکه این ریسمانی هست که می‌شود، به آن تمسک کرد، و انسان خودش را به آن آویزد و بعد از یک چاهی بیرون بیاید، از یک دره سقوطی خودش را نجات بدهد، این را می‌گویند «حبل»، می‌خواهم عرض کنم که این «حبل» است با این «حبل» انسان، اولاً متین است، ثانیاً انسان می‌تواند با این، بالا رود، در نتیجه این خود اسم، اسم ارزشمندی است، رویکرد هم، همین است، من در این مجله رویکرد نگاه تفرقه‌ای که خیلی از جاها با اسم وحدت به طبل حبل‌المتین می‌کوبند، من ندیده‌ام، این خیلی ارزشمند است، البته باید همیشه مواظبت کنیم، چون

که چه کسی گفته که امروز این شماره که در آمد، فردا هم همین جوری در می‌آید، پس فردا هم همین جوری در می‌آید، کافی است که یک نگاه کجی در اینجا نفوذ کند و با اسم جبل‌المتین باشد، ولی واقعیت جبل‌المتین نباشد، باید مواظبت کنیم و آن چیزی که الآن من دیدم، این جای شکرش باقی است، که بر اساس آن هدفی است، که باید باشد، و بحث این است که ما از مرتبه وحدت اسلامی داریم حرف می‌زنیم. وقتی که مقام معظم رهبری می‌فرماید که امت اسلامی و جامعه اسلامی شناسنامه مذهبی صادر نکرده، یعنی چی؟ یعنی بنده حق ندارم شناسنامه مذهبی درست کنم، البته بدین معنی نه، که ما لا مذهب هستیم! ابدأ، مذهب داریم سفت و سخت هم داریم، ولی نقش دادن مذهب، در دین این است باید جبل‌المتین برای خودش شناسنامه مذهبی درست نکند، و این را در خود صیانت کند، مبدا یک وقتی از آن دور شود، لذا من عرض می‌کنم که ما در جامعه اسلامی در خدمت اسلامی می‌توانیم، در اینجا نقش‌آفرین باشیم، ببینید یک فتوایی مقام معظم رهبری دادند، این فتوا را عمده مراجع من از خودشان شنیدم، از بعضی از مراجع از زبان خودشان، بدون واسطه شنیدم که دقیقاً همین فرمایش حضرت آقا را تأکید کردند، ولی متأسفانه این‌گونه موارد را حتی در مقام انتشارش هم ما خیلی توفیق نداشتیم، بعضی‌ها می‌گویند عجب، این چنین چیزی ممکن نیست؛ بله، کافی یک نکته تفرقه‌آمیزی یک چیزی که نقل بشود، در این مورد دروغ هم کم نیست و از ذهن در نیامده، همه عالم پر شده است. یک وقتی یک امام جمعه‌ای بود در بلوچستان تو هر خطبه نماز جمعه‌اش کتابی تفرقه‌انگیز که بر ضد برادران اهل سنت نوشته شده بود، را مطرح می‌کرد، من مانده بودم که این چه طور است، که این کتابی که ایشان دارد، در نماز جمعه اهل سنت مطرح می‌کند، به خاطرش تفرقه افتاده، چطور ما خبر نداریم، این خبر دارد، ما در مورد اهل سنت کار می‌کردیم، بعد معلوم شد، که یک کتاب‌فروش از وهابیت در تهران هست، که این جستجو می‌کند و هر جا

یک کتاب مریضی منتشر می‌شود، این را با پست سریعاً برای ایشان می‌فرستد و به او می‌رساند، چیزی که در نماز جمعه مطرح کند و مردم مسلمان سنی مذهب، را علیه برادران شیعه خودشون تحریک می‌کند و آتش جنگ و تفرقه ایجاد می‌کند، در حالی که اگر چنین کتابی هم منتشر شود، ما باید برویم هر چه هست بخریم، اگر پول بیت‌المال مسلمین را برای خریدن کتابهایی که بر ضد اهل سنت نوشته می‌شود، هر چه هست بخریم به صورت انبوه، بعد ببریم با پول بیت‌المال اینها را خمیر کنیم، مطمئناً مصرف بسیار درستی از بیت‌المال را کرده‌ایم، این را منبع علمی آن را دارم، اثبات می‌کنم، نه این که همین جوری حرف زده باشم، چون تألیف قلوب، یکی از مصارف بیت‌المال است، این جلوگیری از جنگ، نزاع و تفرقه بین مسلمین است، جلوگیری از فتنه است، مسلماً این پول در اینجا صرف کردنش خیر بیشتری دارد، لذا به جای این که برویم کتابی را که منتشر شده، بخریم که دست دیگران نیفتد، این وپروس را یک جا خفه‌اش کنیم و اجازه ندهیم جامعه را بیمار کند، این را برویم در تربیون نماز جمعه مطرح کنیم. من می‌خواهم ببینم اون کسی که در نماز جمعه از طریق این تربیون دارد مطرح می‌کند، اگر من توضیح نداده بودم، آیا اصلاً کسی صدای من را می‌شنید، خوب این جز برای تفرقه‌افکنی نیست، حالا این را شما در قم مثال زدید، این طرف هم هست، اگر یک شخص مریضی در جامعه اهل سنت بیاید یک کتاب بنویسد بر علیه شیعه، در تربیون نماز جمعه مطرح بکند، در تربیون جمهوری اسلامی مطرح بکند، باید مواظب باشیم و توجه داشته باشیم که حالا از آن طرف، اگر ما یک مجله‌ای از این دست داشته باشیم، کتابهایی از این دست داشته باشیم، اینها مثل آبی است، که شما روی آتش بگذارید، آتش همه آنها را خاموش کند، من پیشنهاد این است که ما باید به این سبک پیش برویم، ما باید این را در سطوح مختلف در گرایش‌های مختلف از این نوع مجلات داشته باشیم، که هر چند وقت ما با یکی از مجلات سرو کار داشته باشیم، باید تلویزیونمان،

رادیومان و خطبه‌هامون، گفتگوها و نشست‌هایمان، اینها همه با محوریت وحدت باشد و اگر مقام معظم رهبری می‌آید، یک سالی را به نام سال وحدت ملی و انسجام اسلامی نام‌گذاری می‌کنند، باید به بهانه این سال وارد این مقوله بشویم، و این را محقق کنیم، در جامعه و در همه‌ی زمینه‌ها. حتی امسال که سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی است، فرهنگ چیست؟ فرهنگ کشور ما یک فرهنگ اسلامی و جامع و فراگیر باید باشد، که همه اقوام و مللی که در جمهوری اسلامی هستند، همه را باید مد نظر قرار دهیم، اقتصاد، اگر این اقتصاد در خدمت امت اسلامی قرار نگیرد، معنی‌اش این است که ما پول خرج کنیم، برای تفرقه، کاری که دشمنان ما می‌کنند، در تمام این ابعاد ما باید به آنها پردازیم. وقتی دانشگاه‌های ما، نخبه‌های ما، خطبه‌ها و منبریه‌های ما و منشورات ما وقف وحدت امت اسلامی بشود، آن وقت است که میوه شیرین وحدت کام همه را شیرین می‌کند.

من فکر می‌کنم این شورا کار بسیار درستی است، ولی توجه داشته باشیم که این شورا یک دایره معینی دارد، یک چارچوب معینی دارد، باید حوزه‌های علمی و فرهنگی دیگر هم پوشش بدهیم، بحث خطبه‌های نماز جمعه، بالاخره یک تریبونی است، که مردم متدین معتقدند، اگر همین خطبه‌ها هم از جهت محتوایی تقویت بشود، رشد بکند، از جهت افت آسیب‌زدایی بشود، نسخه دوم همین شورای برنامه‌ریزی می‌شود، حوزه‌ها و دانشگاه‌های ما، اساتید دانشگاه‌های ما، مراکز علمی و آکادمیک ما در آنجا هم همین سازوکار فراهم بشود، در همه زمینه‌ها و مباحث مختلف، چون دشمن از هر جهت کار کرده است، من اعتقاد این است که ما باید برای رادیو و تلویزیون خودمان هم یک شورایی داشته باشیم، از این جهت کاملاً کنترل کنیم، یعنی هر کسی هر چهره‌ای را اجازه ندهند، بیاید در شبکه‌های تلویزیون صحبت کند، خیلی از چهره‌ها در جهان اسلام به تعبیر عربها، رموز اختلاف شناخته شده‌اند و شناخته می‌شوند، از اینها آبی برای وحدت اسلامی گرم نخواهد شد، بلکه آتش وحدت داغ می‌-

شود. اینها را ما فریب بخوریم بیاوریم در تلویزیون، خیال کنیم که اینها می‌توانند، وحدت ایجاد بکنند. اینها علم به مبانی اهل سنت دارند، ولی رموز اختلاف شناخته شده‌اند، باید یک شورایی باشد، مجموعه‌ای باشد آن شورا برنامه‌ریزی کند، برای مطالبی که در تلویزیون مطرح می‌شود، اینها با امت اسلامی، با امت واحده اسلامی در تنازع نباشد، با مبانی وحدت در تنافی نباشد. آن وقت است که مقدمات وحدت فراهم شده و وحدت عملیاتی خواهد شد. امیدوارم مجله شما هم که در این سمت و سو حرکت کرده، همچنان حرکت کند.

جبل‌المتین: با تشکر از فرمایشات حضرتعالی و وقتی که در اختیار فصلنامه جبل‌المتین قرار دادید.

مهدوی‌مهر: من هم برای شما و مسئولان مجله آرزوی توفیق و تداوم این حرکت مبارک را دارم.

